

## نظریه «برین سودگرایی» در اخلاق و تطبیق آن با

### نظریه سودگرایی رایج

منصور نصیری\*

#### چکیده

سودگرایی اخلاقی از جمله نظریه‌های غایت‌شناختی بسیار مهم در فلسفه اخلاق است. این نظریه از همان آغاز طرح در فلسفه اخلاق، با بحث و بررسی اندیشمندان بسیاری روبه‌رو شد. به نظر می‌رسد مبنای کارهای آدمی نیز معمولاً همین نظریه باشد. در این مقاله، با اشاره به پیشینه نظریه سودگرایی، به تعریف و ویژگی‌های کلی این نظریه پرداخته و پس از اشاره به انواع آن و چگونگی محاسبه سود، برخی اشکالات آن را نیز بیان داشته‌ایم. آنگاه از نگاه دینی آن را بررسی نموده و با توجه به مضامین دینی به نظریه‌ای خواهیم رسید که آن را «برین سودگرایی» نامیده‌ایم. از منظر نگارنده، نظریه «برین سودگرایی»، هم از متون و مضامین دینی برمی‌آید و هم از اشکالات وارد بر سودگرایی، تهی است.

#### واژگان کلیدی

سودگرایی، غایت‌گرایی، سود، محاسبه سود، برین سودگرایی.

nasirimansour4@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۸۹/۹/۳۰

\*. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۵

## طرح مسئله

یکی از دل‌مشغولی‌های اندیشمندان و پژوهشگران در حوزه فلسفه اخلاق نگاه تطبیقی به مباحث فلسفه اخلاق است که در این میان بررسی نظریه‌های مطرح در فلسفه اخلاق، درخور اعتناست. یکی از مباحث اخلاق اسلامی این است که بدلییم از متون اسلامی چه نظریه اخلاقی برمی‌آید آیا نظریه اخلاقی مستنبط از متون اسلامی، در زمره نظریه‌های غایت‌گرایانه است، یا وظیفه‌گرایانه؟ اگر غایت‌گرایانه یا وظیفه‌گرایانه است، در ذیل کدامیک از نظریه‌های مشهور در این دو دسته می‌گنجد؟

در این پژوهش با بررسی اجمالی یکی از نظریه‌های اخلاق هنجاری (نظریه سودگرایی) بدین نتیجه رسیده ایم که نظریه مستنبط از متون دینی (به‌ویژه اسلامی) نظریه‌ای است که در ردیف نظریه‌های غایت‌گرایانه جای می‌گیرد. این نظریه که آن را «نظریه برین سودگرایی» نام نهادیم، با تعریف و تعیین حدودی که در اینجا بیان می‌گردد، بی‌شک به‌دور از مشکلات و چالش‌های فراروی «سودگرایی رایج» است. برای اثبات این نتیجه، به‌ناگزیر باید به مباحث مطرح در نظریه سودگرایی رایج و اشکالات آن نگاهی بیفکنیم و آنگاه به تبیین نظریه مورد نظر خود پردازیم. بدین ترتیب، مقاله پیش‌رو دارای دو بخش اصلی است: «بررسی نظریه سودگرایی رایج و مسائل گوناگون آن» و نیز «تبیین نظریه برین سودگرایی».

## الف) نظریه سودگرایی رایج

### ۱. پیشینه نظریه سودگرایی

زمان چندانی از طرح سودگرایی به‌عنوان نظریه‌ای در فلسفه اخلاق نمی‌گذرد. صورت‌بندی کلاسیک این نظریه در آثار جرمی بنتام<sup>۱</sup> (1832 - 1748) پس از وی در آثار جان استوارت میل<sup>۲</sup> (1873 - 1806) آمده است. (Mackinnon, 1998: 33)

بنتام که دانشجوی حقوق و رهبر جنبش رادیکال بود، مبتنی بر اصول سودگرایی به

1. Jeremy Bentham.

2. John Stuart Mill.

اصلاحات اجتماعی و حقوقی می‌اندیشید. مهم‌ترین اثر انتشار یافته او کتابی است به نام *مقدمه‌ای بر اصول اخلاقیات و قانونگذاری*<sup>۱</sup> که در سال ۱۷۸۹ منتشر شد چنان‌که از عنوان کتاب آشکار است، او می‌خواست همان اصولی را که مبنای اخلاقیات را تشکیل می‌داد، رهنمونی برای وضع و بازنگری قوانین و حقوق قرار دهد. از نظر وی اصولی واحد برای اخلاق شخصی و فردی وجود ندارد.

بنتام به حمایت از مجموعه اصلاحات گسترده‌ای پرداخت که تجدید نظر در قوانین کیفری تا مرهمی کردن نظام پارلمانی را در برمی‌گرفت. او سخت مدافع سودگرایی بود و مخالفت با دیدگاه‌های سودگرایانه را نشان‌دهنده تعصب، خرق‌مپرستی و سردرگمی می‌دانست. پس از وی، هنری سیجویک (۱۹۰۰ - ۱۸۳۸) با دقت و بصیرت بسیار (البته با توجه کمتری به اخلاق سیاسی) ضابطه سودگرایانه‌ای را تدوین کرد که بعدها به‌عنوان الگویی در خدمت نظریه‌پردازان بعدی قرار گرفت. (جمعی از نویسندگان و مترجمان، ۱۳۸۰: ۳۲)

جان استوارت میل - که پدرش مصاحب بنتام و حامی دیدگاه‌های وی بود - در بیست سالگی به مطالعه آثار بنتام پرداخت و از پیروان پرشور فلسفه او شد. میل که از نظر برخی، «عموماً یکی از پر و پا قرص‌ترین و مؤثرترین سخن‌گویان دیدگاه لیبرالیستی درباره انسان و جامعه می‌باشد» (Schneewind, 1973: 314)، ایده‌های اصلی نظریه سودگرایی اخلاقی را در کتاب *سودگرایی*<sup>۲</sup> آورده است. وی در این کتاب درصدد برآمد تا به رفع برخی سوء برداشت‌ها پردازد؛ سوء برداشت‌هایی که بر پایه آن، اخلاق هیچ ارتباطی با فایده و سود ندارد، یا با لذت‌نا سازگار است. میل همچنین مدافع سرسخت آزادی فردی بود او در جزوه‌ای با عنوان «در باب آزادی»<sup>۳</sup> استدلال می‌کند که تنها عذر جامعه برای دخالت در زندگی فردی مشخص و نیز برای اجبار او به زندگی به شیوه‌ای خاص، این است که وی را از صلحه به دیگران بازدارد از منظر وی، آزادی افراد به نفع همگان است. البته او منکر انتخاب و عمل نادرست افراد در

1. Introduction to the Principles of Morals and Legislation.

2. Utilitarianism.

3. On the Liberty.

صورت اعطای آزادی نیست، ولی معتقد است که این امر بی‌تردید از اجبار دولت بهتر است. میل در کتاب «On the Subjection of Woman» رفتار آن دسته از جولمعی را که به زنان اجازه نمی‌دهند در اجتماع مشارکت کنند، به باد انتقاد می‌گیرد و از حق رأی زنان جانبداری می‌کند.

سودگرایان اولیه هموکراتیک بودند؛ بدین معنا که اعتقاد داشتند خط و مشی اجتماعی باید به سود همه افراد باشد و نه طبقه بالاتر. با این همه، آنان بر این باور بودند که اگر منافع افراد مختلف در تعارض با یکدیگر قرار گرفته باشد، گزینه‌ای بهترین خواهد بود که منافع تعداد بیشتری از آنها را تأمین کند از نظر آنها، این برنامه‌ها را باید بر اساس فایده‌ای که در ارتقای خیر و خوبی دارد، ارزیابی کرد. در واقع مشاهده ما تعیین می‌کند که آیا یک برنامه اجتماعی می‌تواند این خوبی را برآورده سازد. بدین ترتیب، سودگرایی بخشی از سنت تجربه‌گرا در فلسفه است؛ چراکه ما تنها با مشاهده یا با توسل به تجربه و آزمایش، خوب بودن را معین می‌کنیم. بنتام و میل در مورد هستی‌ی انسان‌ها به سود و خیر خوشبین بودند، لذا اختلاف‌نظرهایی بنیادین نیز داشتند.

یکی از تفاوت‌های محوری بنتام و میل این است که بنتام معتقد است باید تنها به کمیت لذت حاصل از عمل توجه کنیم، یعنی میزان بیشتر لذت برای بیشترین افراد، بیشترین عمق، طولانی‌ترین لذت، ثمربخش‌ترین لذت و بیشترین نتایج مطلوب احتمالی. وی تصریح می‌کند که در صورت تساوی کمیت لذت حاصل از «بازی کودکان» پوشیدن و «شعر»، این دو کار به میزان مساوی خوب‌اند و بر دیگری برتری ندارند (Principles of Morals and Legislation). بر این اساس، لذت خواندن یا درک یک غزل حافظ فی‌نفسه بهتر از لذت حاصل از بازی چوگان نیست.

جان استوارت میل در این نکته با بنتام اتفاق نظر دارد که هرچه میزان لذت بیشتر باشد، بهتر خواهد بود، لذا معتقد است که باید کیفیت لذت نیز مطرح نظر قرار گیرد. او در صدد اثبات آن است که چه‌بسا لذت حاصل از فعالیت‌های فکری، بهتر از برخی لذات برآمده از فعالیت‌های حسی و مادی باشد.

از نظر بنتام، اگر از افراد پرسسیم که آیا می‌خواهند یک زندگی انسانی توأم با رنج و دردهای بسیار دثسته باشند یا یک زندگی حیوانی مملو از لذات، بی‌شک گزینه اول را برمی‌گزینند. به تعبیر میل، آنها ترجیح خواهند داد که «انسان ناکام باشند تا خوک کام‌یاب. سقراط ناکام بودن بهتر است از احمق کام‌یاب.» در این استدلال تنها دلیلی که ما زندگی توأم با مجموعه لذات کمتر را بر زندگی توأم با مجموعه لذات بیشتر ترجیح می‌دهیم، این است که ما به نوع لذت نیز ارزش می‌دهیم. این استدلال تجربی، با توسل به خولست واقعی انسان‌ها بیان شده است. اما در این باره دو نکته درخور یادآوری است:

نخست اینکه آیا اصل این ادعا که انسان‌ها چنین ترجیح می‌دهند، درست است؟ چگونه می‌توان اثبات کرد که انسان‌ها زندگی همراه با درد انسانی را بر زندگی حیوانی توأم با لذات فراوان ترجیح می‌دهند؟ نگارنده در مقام نفی این مسئله نیست و درباره هیچ یک از این زندگی‌ها داوری نمی‌کند، بلکه مقصود این است که میل چگونه می‌تواند این نکته را اثبات کند. دوم آنکه آیا این امر که همه یا بیشتر انسان‌ها زندگی انسانی توأم با رنج را بر زندگی حیوانی توأم با لذات ترجیح می‌دهند، می‌تواند اثبات‌کننده مطلوبیت اخلاقی این نوع گرایش و زندگی باشد؟ در اینجا مجال پرداختن به این نکته نیست، اما نباید فراموش کرد که نمی‌توان به این پرسش به‌آسانی پاسخ مثبت داد. با این همه، بدین نکته خواهیم پرداخت که در چارچوب نظریه برین سودگرایی، این چالش‌ها به‌سهولت مرتفع می‌شود.

## ۲. تعریف سودگرایی رایج

برای رسیدن به درکی جامع از نظریه سودگرایی، به دلیل گوناگونی تقریرها، نمی‌توان از تعریفی کلی استفاده کرد. نقطه محوری در تعریف سودگرایی، اصل سود است که از اساسی‌ترین اصول اخلاق سودگرایانه به‌شمار می‌رود. این نظریه درصدد رفع نقایص موجود در نظریه‌های وظیفه‌گرایی و خودگرایی است. چنان‌که فرانکنا می‌گوید، با اندکی تسامح می‌توان گفت قائلان به نظریه‌های وظیفه‌گرایانه (مانند نظریه کانت) هرچند به دیگر مردم اهمیت می‌دهند، به اندازه کافی به ازدیاد خیر اعتنا نمی‌کنند. از سوی دیگر، خودگرایی نیز

از دیداد خیر را مهم می‌شمرد، ولی به اندازه کافی به مردم واقعی نمی‌نهد سودگرایی نظریه‌ای است که درصد دست در آن واحد این دو نقیصه را مرتفع کند بر اساس این نظریه، غایتی اخلاقی که همگان باید در همه کارها در پی آن باشند، بیشترین غلبه ممکن خیر بر شر (یا کمترین غلبه ممکن شر بر خیر) در کل جهان است. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۸۵ و ۸۶)

سودگرایی از دو آموزه تشکیل شده است: نظریه‌ای ناظر به اینکه خوب چیست و نظریه‌ای ناظر به اینکه چه چیزی درست است. آموزه دوم، نتیجه‌گرایی<sup>۱</sup> است. به سخنی دیگر، آموزه‌ای که بر اساس آن گزینه، اخلاقاً، «درست» در هر شرایطی، گزینه‌ای است که موجب ایجاد بیشترین خوبی یا بهترین نتایج می‌شود و طبیعتاً هر گزینه دیگری جز این نیز نادرست است.

از نظر سودگرایان، درست بودن یک کار بسته به آن است که آن کار بهترین نتایج را در پی داشته باشد. در واقع، اخلاق سودگرایانه دو بُعد مهم دارند: بُعد لذت‌گرایانه که هم و غم آن لذت و خوشبختی است و بُعد نتیجه‌گرایانه که تمرکز و تأکید آن بر نتایج کارهاست. (Graham, 2004: 138)

همه سودگرایان بر این نکته متفق‌اند که خوب عبارت است از «سود» یا رفاه انسان. لذا در این باره که رفاه انسان چیست، بین آنان اختلاف نظر وجود دارد. معمولاً سودگرایان کلاسیک لذت‌محور بودند، یا به بیانی دیگر، رفاه انسان را لذت می‌شمرند (همان) البته آنها منکر خوب بودن امور دیگری نظیر سلامت و پیشرفت اجتماعی نبودند، ولی بر آن بودند که این امور وسیله‌ای برای رسیدن به لذت است.

بر اساس نظریه سودگرایی، فعال فی‌نفسه ارزش اخلاقی ندارند، بلکه مهم تأثیر کارها بر وضعیت جهان (خوشبختی افراد) است. در واقع تنها بعد جهان که اهمیت اخلاقی بی‌وسطه دارد، خوشبختی مردم است. بر اساس این نظریه، افراد به شکلی ویژه، مهم تلقی می‌شوند و خانواده یا جامعه نیز به لحاظ تأثیری که بر افراد دارند، اهمیت می‌یابند. همچنین مردم در همه وضعیت‌ها از حیث اخلاقی یکسان‌اند و خوشبختی هر فرد به اندازه خوشبختی دیگران مهم است.

#### 1. Consequentialism.

این نظریه سرچشمه اخلاق را در سرشت انسان می‌داند که همواره درصدد تجربه لذت و دوری از رنج و درد است. (A Dictionary of Ethics, 1989: 429) به هر روی، اصل سود که هسته اصلی نظریه سودگرایی است، دو صورت‌بندی دارد: یک. از نظر اخلاقی بهترین گزینه (یا گزینه بهتر) آن است که بزرگترین شبکه سود (یا شبکه سود بزرگتر) را به وجود آورد. سود در اینجا بر پایه خوشبختی یا لذت تعریف می‌شود.

دو. ما باید به گزینه‌ای عمل کنیم که بیشترین خوشبختی را برای بیشترین افراد ایجاد کند (Mackinnon, 1998: 34)

گاه از خود می‌پرسیم کدام‌یک از این دو عمل بهتر است. بی‌شک پاسخ ما بدین پرسش بر اساس خوشبختی یا لذتی است که از آن دو عمل به دست می‌آید. اما گاه نیز می‌پرسیم کدام عمل به طور کلی بهتر است. در این صورت نه تنها باید گزینه‌های پیش‌روی خود، بلکه می‌باید سایر گزینه‌های احتمالی را نیز در نظر آوریم که در این صورت، عمل درست‌ترین عمل ممکن خواهد بود.

### ۳. ویژگی‌ها

برای آنکه به درک جامعی از سودگرایی و اصل اساسی آن دست یابیم، باید به دو ویژگی مهم آن اشاره کنیم: (Mackinnon, 1998: 34)

#### یک. نتیجه‌گرایی

سودگرایی نظریه‌ای است که سمت و سوی غایت‌شناختی<sup>۱</sup> دارد و بر هدف (غایت) و نتیجه کارها تأکید می‌کند. این نظریه، برای ارزیابی کارهای آدمی، به سرشت عمل یا لگیزه اقدام به آن بی‌اعتناست، بلکه به هدف و نتیجه به دست آمده از آن اهمیت می‌دهد. جان استوارت تصریح می‌کند که هر کس انسانی را از غرق شدن نجات دهد، به لحاظ اخلاقی کار درستی انجام داده است؛ خواه انگیزه‌اش انجام وظیفه باشد، یا امید به دریافت پاداش و مزد (Priest, 1957: 20)

1. Teleological.

از نظر اخلاقی، مهم نتیجه عمل (مثلاً نجات جان آدمی) است. تعیین اینکه کدام عمل بهتر است، با در نظر گرفتن نتایج احتمالی یا بالفعل اعمال پیش‌رو صورت می‌گیرد برای فهم یا محاسبه نتایج احتمالی باید عناصری را در نظر داشت که بدلها شماره خواهد شد

#### دو. معیار خوبی: لذت یا خوشبختی

اینکه بگوییم باید کاری را انجام دهیم که بهترین نتایج یا پیامدها را داشته باشد، کافی نیست؛ چرا که این امر به‌عنوان عاملی اخلاقی نشان نمی‌دهد که چه نوع نتایجی خوب است. بر این بنیاد، معیار خوب بودن نتیجه عمل چیست؟

نظریه سودگرایی کلاسیک بر لذت یا خوشبختی تأکید می‌ورزد، اما باید دانست تأکید بر خوشبختی در تاریخ فلسفه اخلاق، در میان سایر فیلسوفان نیز پیشینه دارد. برای مثال، ارسطو از اخلاقی دم می‌زند که بر محور خوشبختی است، اما با این همه، نظریه اخلاقی او متفاوت با نظریه سودگرایی است. در میان دیدگاه‌های پیشین، نزدیک‌ترین آنها به نظریه سودگرایی، لذت‌گرایی<sup>۱</sup> (نظریه اپیکور) است. از نظر اپیکور، زندگی خوب بی‌تردید توأم با لذت است. البته مراد او از لذت صرفاً لذات جسمانی و مادی نیست، بلکه مقصود وی این است که باید از میل به لموری غیر از نیازهای اصلی و ضروری پرهیز شود. از این رو، لذت در نظر وی اعم از لذات جسمانی، ذهنی و روحی است. به هر روی، قائلان به نظریه سودگرایی بر آنند که لذت یا سعادت همان خوبی است که باید به دست آورد (Mackinnon, 1998: 34) بر پایه این دیدگاه، لموری چون تحصیل علم و آزادی، تنها تا جایی خوب است که تولید لذت یا خوشبختی کند به اصطلاح فلسفی، لذت و خوشبختی تنها خوب‌های ذاتی<sup>۲</sup> هستند؛ یعنی خوب‌هایی که فی‌نفسه خوب‌اند. اما از این سو، سایر لمور نظیر آزادی یا تحصیل علم، خوب ابزاری<sup>۳</sup> هستند بر اساس سودگرایی کلاسیک، میان لذت و خوشبختی تفاوتی نیست و هر دو واژه، به حالت فیزیکی ارضا (یا برآورده شدن) اشاره می‌کنند، اما باید گفت آدمی دارای انواع

1. Hedonism.
2. Intrinsic goods.
3. Instrumental.



گونگونگی از لذت است؛ مانند لذت‌های جسمی، زیباشناختی و فکری. از این رو، برای تعیین بهترین عمل باید همه انواع لذات را در نظر بگیریم.

چنان‌که از این توضیح پیداست، سودگرایی نظریه‌ای خودگرایانه نیست. خودگرایی<sup>۱</sup> نظریه‌ای است که در همه کارها، منافع شخصی عامل را محور قرار می‌دهد و در واقع هدف و غایت کارها را «برآورده شدن نفع شخصی فرد» می‌داند<sup>۲</sup>. از این رو، هرچند این دو نظریه در غایت‌گرا بودن مانند هم‌اند، در تعیین غایت نهایی مختلف‌اند البته برخی محققان تقریری از خودگرایی به‌هست داده‌اند که بر اساس آن، ما باید از آن روی به منافع خود اهمیت دهیم که این کار برای همه انسان‌ها بهتر است. بر پایه چنین قرائتی ممکن است سودگرایی، مفهومی نزدیک به همان خودگرایی یا مانند آن باشد اما پاره‌ای نظیر باربارا مکینون (Mackinnon, 1998: 35) چنین تیبینی از خودگرایی را رد کرده و آن را عملاً تقریری از سودگرایی دانسته‌اند، نه خودگرایی. از آنجا که سودگرایی، به خوشبختی یا لذت همه کسانی که در معرض کار مورد نظرند، اهمیت می‌دهد، برخی آن را نظریه‌ای عام‌گرا یا کل‌گرا خوانده‌اند بر این بنیاد، ما نباید تنها خیر خود (خودگرایی) و یا خیر دیگران (دگرگرایی) را در نظر بگیریم، بلکه باید بیشترین سود را برای بیشترین افراد قائل گردیم؛ چنان‌که میل می‌گوید: فداکاری یا از خودگذشتگی که موجب افزایش خوشبختی کلی نشود، بی‌فایده تلقی می‌شود. (priest, 1957: 22)

حتی بر اساس نظریه سودگرایی، گاه فرد باید کاری را انجام دهد که به خشنودی و رفاه دیگران بینجامد، حتی اگر به ضرر خود او باشد. بر این مبنا، کاری که به ناخرسندی خود فرد و خرسندی ده فرد دیگر می‌انجامد، بی‌شک بهتر از کاری است که موجب خشنودی خود فرد و دو شخص دیگر می‌شود.

#### ۴. چگونگی محاسبه بیشترین میزان خوشبختی

اکنون پرسینگی است که چگونه باید بیشترین میزان خشنودی یا خوشبختی را محاسبه کرد؟

##### 1. Egoism.

۲. برای آشنایی با تعریف و انواع خودگرایی و بررسی دلایل آن بنگرید به: منصور نصیری، «تأملی در بحث خودگرایی و دگرگرایی»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۴۰۳ - ۳۸۳.

فلسوفان اخلاق در این باره به عناصر گوناگونی اشاره کرده‌اند برای نمونه، جرمی بنتام هفت عنصر را در محاسبه خوشی و درد برمی‌شمرد: شدت، دوام، میزان یقین، قرابت، بارآوری، خلوص و وسعت. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۸۶) بار بار امکینون نیز خلاصه‌وار و گویا فهرستی از معیارها را برشمرده که در ذیل بدانها می‌پردازیم:

#### یک. لذت منهای درد

تقریباً همه گزینیهایی که انتخاب می‌کنیم، هست کم برای خود ما، هم ناخرسندی یا درد را در پی خواهد داشت و هم خرسندی و لذت را. هر کاری که موجب درد یا ناخرسندی شود، تنها در صورتی پذیرفته است که بطور کلی سبب لذت بیشتر شود بنابراین نتیجه نهایی - که از محاسبه سود به هست می‌آید - تعیین می‌کند که این عمل به لحاظ اخلاقی باید انجام شود یا خیر. مکینون با آوردن مثالی فرایند عملی این کار را چنین تبیین می‌کند: عمل الف ۱۲ واحد خرسندی و ۶ واحد ناخرسندی تولید می‌کند (۲ منهای ۶ = ۶ واحد خرسندی) و عمل ب نیز ۱۰ واحد خرسندی و ۱ واحد ناخرسندی (۱۰ منهای ۱ = ۹ واحد خرسندی). از نظر سودگرایی، عمل ب بر عمل الف ترجیح داده می‌شود؛ زیرا نسبت به عمل الف خرسندی بیشتری را تولید می‌کند.

#### دو. عمق و شدت

انواع خرسندی یا لذت دارای شدت و ضعف‌اند بر این اساس، چنانچه همه شرایط و عناصر دخیل، یکسان باشند، لذتی که دارای عمق بیشتری است، نسبت به لذت سطحی، بهتر خواهد بود. گاه نیز عمق لذت بر تعداد افراد ترجیح داده می‌شود. مثلاً در نمونه زیر که همه شرایط دیگر در دو عمل الف و ب مساوی است، عمل ب بهتر از عمل الف است، هرچند که به تعداد بیشتری از افراد لذت برساند:

عمل الف برای ۴۰ نفر لذت خفیف به همراه دارد (۴۰ ضرب در ۲ = ۸۰ درجه لذت) و عمل ب نیز برای ۱۰ نفر لذت شدید (۱۰ ضرب در ۱۰ = ۱۰۰ درجه لذت). روشن است که عمل ب بر عمل الف ترجیح دارد.

#### سه. مدت

عناصر مؤثر دیگر در محاسبه لذت یا خرسندی، مدت آن است. ممکن است لذت غیر عمیقی

که از یک عمل حاصل می‌شود، طولانی‌تر از لذت عمیق‌تر عمل دیگر باشد. بنابراین مدت لذت نیز باید در محاسبه سود مطمح نظر قرار گیرد. بدین ترتیب در صورت تساوی همه شرایط دیگر، لذتی بهتر است که طولانی‌تر باشد. در مثال پیش‌رو عمل الف بهتر از عمل ب است: عمل الف موجب خرسندی ۳ نفر به مدت ۸ روز می‌شود (۳ ضرب در ۸ = ۲۴ روز لذت) و عمل ب باعث خرسندی ۶ نفر به مدت ۶ روز (۶ ضرب در ۶ = ۳۶ روز لذت).

#### چهار. ثمربخشی

ممکن است یک لذت، ثمربخش‌تر از لذت دیگر باشد. در این صورت با مساوی بودن همه شرایط و عناصر، لذت ثمربخش‌تر بر لذات دیگر برتری دارد. ثمربخشی، یعنی احتمال اینکه به دنبال لذت یا درد، عواطف و احساساتی از همان سنخ پدید آید؛ بدین معنا که اگر پس از کاری، لذتی به دست آمد، به دنبال لذت دیگر نیز پدید آید و اگر دردی به وجود آمد، در پی آن دردهای دیگری پدید نیاید. ثمربخشی لذت، بسته به این است که آیا قابلیت ما را برای تجربه لذات دیگر بیشتر می‌کند یا خیر. ثمربخشی نمتنها به لذت بی‌وسطه، بلکه به نتایجی که در درازمدت هم به دست می‌آید، وابسته است. بنابراین گاه باید دردی را تحمل کرد تا دردهای بیشتر در روزهای آینده دفع گردد. معالجه دندان ممکن است امروز برای من دردآور باشد، ولی در درازمدت موجب زندگی بهتر و دفع دردهای بیشتری خواهد بود.

#### پنج. نتایج احتمالی

در تعیین مطلوبیت هر کار باید نتایج احتمالی آن را نیز محاسبه کنیم. برای شرکت در یک رقابت باید احتمال موفقیت را در نظر بگیریم؛ چرا که ممکن است موفقیت‌مان در کاری دیگر محتمل‌تر باشد. چه‌بسا با محاسبه احتمالات معلوم شود که باید کاری را انجام دهیم که هرچند نسبت به کارهای دیگر سودآوری کمتری دارد، اما احتمال موفقیت آن بیشتر است.

شش. گستره شمولی آن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مقصود از گستره شمولی، یعنی تعداد کسانی که لذت یا درد به دست آمده از عمل، شامل آنها می‌شود. بنابراین در صورت تساوی سایر معیارها، اگر یکی از کارها لذت یا سود بیشتری در پی داشته باشد، مقدم بر آنها خواهد بود.

## ۵. انواع سودگرایی

معمولاً نظریه سودگرایی را دارای دو قسم و به تعبیری، دارای دو تقریر می‌دانند: یکی سودگرایی عمل‌محور و دیگری سودگرایی قاعده‌محور. البته ممکن است تقریر دوم از آن رو ارائه شده باشد که معمولاً بر سودگرایی شکال می‌شد که این نظریه هرگونه عمل و رفتاری را تا وقتی که نتایج بهتری داشته باشد، توجیه می‌کند برای مثال، اگر دروغ گفتن و یا نقض عهد نتایج خوبی در پی داشته باشد، فرد می‌تواند مرتکب آنها شود. برخی (Mackinnon, 1998: 39) گفته‌اند که می‌توان از کتابهای جان استوارت میل شولهدی برای این تقریر یافت. به هر روی، این دو تقریر در اینکه می‌خواهند بیشترین میزان لذت را برای بیشترین تعداد فراهم کنند، یکسان‌اند در این مین، تفاوت آنها در این است که در محاسبه نتایج و پیامدها چه چیزی را در نظر داشته باشیم.

از نظر سودگرایی عمل‌محور، ما باید نتایج هر عمل را جداگانه در نظر بگیریم. اما بر اساس سودگرایی قاعده‌محور، می‌باید نتایج عمل انجام‌شده را به‌عنوان فعالیتی عام مطرح نظر قرار دهیم.

بر اساس سودگرایی عمل‌نگر، برای انتخاب باید پرسیم: «این عمل من در این موقعیت، چه تأثیری بر غلبه کلی خیر بر شر دارد؟» نه آنکه پرسیم: «این نوع عمل از هرکسی در این شرایط، چه تأثیری بر غلبه کلی خیر بر شر دارد؟» از این رو، اگر دلیل یا دلایلی داشته باشیم مبنی بر آنکه در این مورد خاص، دروغگویی متضمن بیشترین غلبه خیر بر شر خواهد بود، نباید بر اساس قاعده رستگویی عمل کنیم. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۸۷) به تعبیر اسمارت (Smart, 2004: 203) سودگرایی عمل‌محور دیدگاهی است که بر پایه آن درست بودن عمل را باید بر مبنای نتایج خوب یا بد خود آن عمل تعیین کرد.

البته سودگرایی عمل‌نگر دو گونه است:

۱. سودگرایی عمل‌نگر محض که اجازه نمی‌دهد از هیچ قاعده یا تعمیمی از تجارب گذشته استفاده شود و از سویی تأکید می‌ورزد که باید در همه موارد، نتایج عملی که پیش روی ماست، سنجیده شود؛

۲. سودگرایی عمل‌نگر معتدل که قائلان به آن می‌گویند توصیه سودگرایی عمل‌نگر محض، عملی نیست و باید نوعی از قواعد را دلشته باشیم (فرانکنا، ۳۷۶: ۸۸ و ۸۹)

میل که مدافع سودگرایی قاعده‌نگر است، همانند وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر بر نقش محوری قواعد در اخلاق، پای می‌فشارد و معتقد است که معمولاً (اگر نگوییم همیشه) باید با توسل به یک قاعده - مانند قاعده رستگویی - مشخص کنیم که در موارد جزئی چه کاری انجام دهیم. او برخلاف وظیفه‌گرایی، این نکته را می‌فزاید که ما باید همیشه قواعد را با این سؤال مشخص کنیم که کدام قاعده بیشترین خیر عمومی را برای هر کس فراهم می‌کند. به سخن دیگر، پرسش این نیست که کدام عمل بیشترین سود را دارد، بلکه باید دانست که کدام قاعده دارای بیشترین سود است. بدین ترتیب، اصل سود نه در تعیین نوع عمل جزئی، بلکه در تعیین نوع قاعده‌ای که باید بر اساس آن عمل کرد، دخیل است. در این دیدگاه، انتخاب قاعده یا ابقا و یا تعویض و تجدیدنظر در آن باید بر پایه سود آنها صورت پذیرد. بنابراین در اینجا نیز معیار نهایی سود است، اما نه در سطح احکام جزئی، بلکه در سطح قواعد.

بارکلی و برانت، مدافع این نوع سودگرایی‌اند از منظر اسمارت، (Smart, 2004: 203)

سودگرایی قاعده‌محور، دیدگاهی است که می‌گوید درست بودن یک عمل را باید بر مبنای خوب یا بد بودن قاعده‌ای تعیین کرد که هر کس می‌باید در شرایط مشابه به آن عمل کند. برای مثال، درباره نقض عهد از سوی جمشید، اگر او پیمان خود را حمید را نقض کند، هر چند حمید ناخرسند می‌گردد، اما او و دوستانش خرسندتر خواهند شد. در این مثال، بر پایه سودگرایی عمل‌محور، اگر نتایج نقض پیمان، بهتر از حفظ آن باشد، در این صورت کاری که باید جمشید انجام دهد، نقض پیمان است. اما طبق سودگرایی قاعده‌محور، باید جمشید این امر را در نظر گیرد که اگر هر کس در این‌گونه موقعیت پیمان بشکند، چه نتایجی در پی خواهد داشت. باید از خود پرسد که اگر این عمل، کاری عمومی یا ضابطه‌ای کلی شود، چه پیامدهایی دارد. بنابراین سودگرایی عمل‌محور نتایج همان کار را در نظر می‌گیرد، ولی سودگرایی قاعده‌محور به نتایج عام شدن و قاعده شدن آن کار، نظر دارد.

به بیان دیگر، ما بر اساس سودگرایی قاعده‌محور باید پرسیم که بهترین کار چیست؟ برای

نمونه در همین مثال، چه قاعده‌ای در صورت تبعیت مردم از آن، نتایج بهتری دارد؟ با توجه به محتوای این دو قسم، برخی سودگرایی عمل‌نگر را نظریه‌ای مستقیم یا بی‌وسطه، و سودگرایی قاعده‌نگر را نظریه‌ای غیرمستقیم یا باوسطه خوانده‌اند (See: Crisp, 1973)

لسمارت، «بتنام» را در شمار سودگرایان عمل‌محور لذت‌گرا، «مور» را در زمره سودگرایان آرمانی و «میل» را نیز در جایگاهی میانه قرار می‌دهد؛ چه آنکه میل معتقد است لذات، مراتب بالاتر و پایین‌تر دارد. این سخن ظاهراً مستلزم آن است که لذت، شرط ضروری خوب بودن کارهاست، اما خوب بودن مبتنی بر کیفیت تجربه است، نه مبتنی بر لذت‌بخش یا غیرلذت‌بخش بودن آن. از این رو، لسمارت میل را لذت‌گرایی شبه‌آرمانی می‌خواند (Smart, 2004: 203)

فرانکنا قزون بر دو قسم یا هشتم، از تقریر و قسم دیگری با عنوان «سودگرایی عام» نیز نام می‌برد که بر پایه آن، در هر شرایطی نباید پرسید که کدام عمل بهترین نتایج را دارد. از سوی دیگر، وی درباره قواعد نیز سخن نمی‌گوید بر اساس این نظریه، نباید پرسید که «اگر من در این مورد چنین و چنان بکنم، چه اتفاقی خواهد افتاد»، یا «از چه قاعده‌ای باید پیروی کنم»، بلکه باید به جای آن پرسید: «اگر هر کسی بخواهد در چنین مواردی چنین کاری کند، چه چیزی رخ خواهد داد؟» اندیشه پشتوانه سودگرایی عام آن است که اگر در موقعیت خاصی، انجام کاری برای کسی صواب است، بی‌شک انجام آن برای همه کسانی که موقعیت مشابهی دارند، درست خواهد بود؛ از این رو، نمی‌توان تنها پرسید که کار مورد نظر در مورد خاصی چه نتایجی خواهد داشت، بلکه باید پرسید اگر در چنین مواردی همه بخواهند مانند هم عمل کنند، چه پیام‌هایی خواهد داشت. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۹۱ و ۹۲)

در هر حال، از میان مدافعان مشهور سودگرایی عمل‌نگر می‌توان به مور، هنری سیچویک و برتراند رسل اشاره کرد (برانت، ۱۳۷۹: ۲۲۷) برانت پیشینه سودگرایی قاعده‌نگر در باب حقوق را به «اپیکور»، و نظریه سودگرایی قاعده‌نگر در باب عمل را به «ریچارد» کامبرلند بازمی‌گرداند او همچنین لسقف بارکلی را اولین کسی می‌داند که در کتاب *طاعت بی‌چون و چیرا* آشکارا میان دو شکل نظریه سودگرایی فرق نهاده و شکل دوم را

برگزیده است.

#### ۶. دلایل سودگرایی

برای اثبات سودگرایی، استدلال‌های مختلفی به دست داده‌اند که در اینجا به برخی آنها اشاره می‌گردد:

#### یک. استدلال میل

میل به استدلالی تجربه‌گرایانه روی می‌آورد و با مقایسه سود با امور دیننی و شنیدنی، چنین می‌گوید:

آموزه سودگرایی این است که خوشبختی (یا خرسندی) تنها مطلوب مردم به‌عنوان هدف است و به همین رو چیزهای دیگر نیز به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به این هدف، مطلوب مردم‌اند. همان‌گونه که تنها دلیل اثبات قابل مشاهده بودن یک شیء آن است که مردم آن را می‌بینند، تنها دلیل مطلوب بودن هر چیز این است که مردم آن را می‌خواهند. بنابراین نمی‌توان دلیلی آورد که چرا سعادت عمومی مطلوب است، جز این دلیل که هر شخصی سعادت خودش را تا جایی می‌طلبد که دست یافتن به آن را ممکن می‌داند. (Mill, 2004: 199)

بر اساس این استدلال، هر چیز تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف غایی، مورد خولست مردم است. این هدف غایی، خوب ذاتی است و سایر خوبها نیز خوب ابزاری‌اند شکل منطقی این استدلال چنین است:

۱. خوشبختی مطلوب است.

۲. خوشبختی عام (عمومی) مطلوب است.

۳. چیزی غیر از خوشبختی مطلوب نیست.

در پاسخ به این استدلال، پاره‌ای محققان بر آن‌اند که این قیاس میل درست نیست؛ زیرا وی، هم باید اثبات کند که ما خواهان خوشبختی هستیم و هم باید ثابت نماید که طلبیدن خوشبختی، ارزشمند است. قزون بر این، صرف اینکه ما به چیزی تمایل داریم، اثبات نمی‌کند

که ما باید آن را طلب کنیم، یا اینکه آن چیز خوب است. به تعبیر دیوید هیوم، نمی‌توان از «هست»، «باید» را استنتاج کرد. (Mackinnon, 1998: 41; Hume, 1739 - 1740)

دو. استدلال مساوات‌طلبانه

کیملیکا<sup>۱</sup> این استدلال را نقل و سپس رد می‌کند؛ (<http://webMissouri.edu>); (N. Johnson, 1996) استدلالی که بر اساس آن، لازمه اصل برخورد مساوی با مردم اثبات نظریه سودگرایی است. صورت استدلال نیز چنین است:

۱. X درست است، اگر و تنها اگر X همگان را یکسان تلقی کند

۲. X همگان را یکسان تلقی می‌کند، اگر و تنها اگر X ترجیحات سلیقه‌ای هرکس را

به‌گونه‌ای مساوی در نظر گیرد

۳. X ترجیحات سلیقه‌ای هرکس را به‌گونه‌ای مساوی در نظر می‌گیرد، اگر و تنها اگر

X سود کلی را به حداکثر برساند

بنابراین:

X درست است، اگر و تنها اگر سود کلی (مربوط به همه) را به حداکثر برساند

بر پایه این دیدگاه، ثمره مساوات‌گرایی (مقدمه ۱) نتیجه‌گرایی است. اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ فرض کنید که مقدمه ۱ درست است، هرچند کاملاً فاقد محتواست. اکنون می‌پرسیم یکسان تلقی کردن مردم به چه معناست؟ مقدمه دوم معنای آن را بیان می‌کند: یکسان تلقی کردن مردم بدان معناست که سلیقه‌ها و ترجیحات هرکس را یکسان بدانیم البته این بیان، دارای محتوا و اطلاع‌بخش است، ولی از سویی کاملاً بحث‌انگیز بوده و در واقع کاذب است. هرچند ممکن است سلیقه‌ها و ترجیحات همه افراد را یکسان در نظر بگیریم، با این حال سلیقه‌هایی باشد که اقلیت مردم نسبت به آنها موضعی مخالف داشته باشند بنابراین ممکن است سلیقه‌هایی در نظر گرفته شود که سلیقه‌های افراد دیگر برآورده نشود. قزون بر این، ممکن است در فرآیند «در نظر گرفتن مساوی همه سلیقه‌ها»، «سلیقه خودم‌جورانه» نیز در نظر گرفته

1. Kymlicka.



شوند با توجه به این شکالات، مقدمه دوم کاذب و در نتیجه استدلال مزبور نادرست است.

سه. استدلال غایت‌شناختی

این استدلال را نیز کیلیکا نقل و سپس رد می‌کند بر پایه یک برداشت سنتی از نتیجه‌گرایی، یکسان تلقی کردن مردم یا آرمان‌های اخلاقی، مستلزم نتیجه‌گرایی نیست، بلکه نتیجه‌گرایی مستلزم یکسان تلقی کردن مردم است. بر اساس این دیدگاه، یکسان شمردن مردم را می‌توان بهترین راه برای به حداکثر رساندن سود دانست.

۱. A درست است، اگر و تنها اگر A سود را به حداکثر برساند.

۲. A سود را به حداکثر می‌رساند، اگر و تنها اگر A سلیقه‌ها و ترجیحات هر کس را به‌طور

مساوی در نظر بگیرد.

۳. A سلیقه‌های (ترجیحات) هر کس را به‌طور مساوی در نظر می‌گیرد، اگر و تنها

اگر A مردم را یکسان تلقی کند.

بنابراین:

A درست است، اگر و تنها اگر A مردم را یکسان تلقی کند.

روشن است که همان اشکال وارد بر مقدمه ۲ در استدلال نخست، در اینجا نیز بر مقدمه ۳ وارد است. وانگهی همچنان که برخی محققان گفته‌اند، این استدلال برای نتیجه‌گرایی نیست، بلکه استدلالی برای یکسان تلقی کردن مردم است.

اشکال دیگری که خود کیلیکا مطرح نموده، آن است که این استدلال پاسخی درست به ما می‌دهد (ما باید مردم را یکسان تلقی کنیم)، اما با دلیل نادرست؛ چراکه این کار سود را به حداکثر می‌رساند علت نادرستی آن، این است که ما باید مردم را یکسان تلقی کنیم، خواه این کار سود را به حداکثر برساند، یا نرساند.

چهار. استدلال مفهومی

«هیر» با تحلیل مفهوم «درست» معتقد است که اساساً معنای واژه «درست» چیزی نیست جز «آنچه باعث بهترین نتایج است». بر اساس این استدلال، مردم اصطلاح «درست» را برای نشان دادن چیزی به کار می‌گیرند که بهترین نتایج را در پی داشته باشد این استدلال نیز

مخدوش است؛ چرا که ما نمی‌توانیم «درست» را بدین معنا به کار گیریم.

#### ۷. نقدهای نظریه سودگرایی

سودگرایی از همان آغاز در میان اندیشمندان با نقد و بررسی‌های بسیاری روبه‌رو شد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. البته پیش‌تر باید یادآور شویم که بسیاری از این نقدها بر سودگرایی رایج وارد است، ولی نظریه مورد نظر ما، یعنی «برین سودگرایی» از همه این مشکلات به دور است.

۱. یکی از مشکلات وارد بر سودگرایی، مشکل بودن محاسبه سود است؛ آن‌هم با توجه به همه ویژگی‌هایی که برای آن برشمردیم. این امر به‌ویژه در مورد کارهایی که آثار طولانی مدت دارند و طول آثار در زمان هم مشخص نیست، روشن‌تر است. در این موارد پیش از عمل قادر به محاسبه نتایج نخواهیم بود. به تعبیر پالمر، ممکن است ما بتوانیم با نوعی قطعیت بگوییم که عمل الف این نتایج را در طول پنج دقیقه خواهد داشت، اما روشن است که نتایج مزبور، نتایج دیگری نیز خواهد داشت و نتایج دیگر نیز نتایجی در پی آن. بنابراین در چه نقطه‌ای از زمان، نتایج خود را گرفته و درست یا نادرست بودن عمل اولیه خود را تعیین می‌کنیم؟ (Palmer, 1995: 88)

۲. بسیاری از مباحث درباره سودگرایی، بر لوازم و اقتضات اخلاقی آن متمرکز است. منتقدان نظریه یا شده استدلال کرده‌اند که این اقتضات با احکام اخلاقی که بیشتر مردم در نظر می‌گیرند، در تعارض است. (Audi General, 1999: 943) بسیاری از ما می‌پذیریم که نسبت به افراد خاصی مسئولیت‌های خاصی داریم و باز می‌پذیریم که این مسئولیت‌ها ضرورتاً از این امر ناشی نشده که موجب افزایش خوشبختی کلی می‌شوند، بلکه حتی اگر باعث خوشبختی یا خرسندی دیگران نشود، خود را موظف به انجام آنها می‌دانیم. این نکته‌ای است که سودگرایان آن را نمی‌پذیرند. مثلاً فرض کنید دو نفر در حال غرق شدن هستند که یکی از آنها مادر شما و دیگری دانشمندی بسیار مهم و اثرگذار در عرصه جهانی است و شما تنها می‌توانید یکی از آنها را نجات دهید. در اینجا سودگرا تأکید می‌کند که دانشمند را نجات

دهید، ولی ما نمی‌پذیریم و نسبت به مادر خود وظیفه خاصی را احساس می‌کنیم. وظیفه معلم در برابر شاگردانش نیز به همین گونه است و در واقع وی نمی‌پذیرد که به خاطر افزایش خوشبختی آنها، نمره‌های بالایی بدانها دهد (Palmer, 1995: 88 & 89)

این لشکالی است که پالمر نیز یادآور می‌شود، ولی به نظر می‌رسد این لشکال بر سودگرایان وارد نباشد. در واقع سودگرایان می‌توانند ادعا کنند که در این گونه موارد، سود و خوشبختی جامعه در انجام تعهدات است. مثلاً در مورد معلم و شاگردان واقعاً سود و خوشبختی بلندمدت فراد جامعه در این است که دانش‌آموزان بر اساس تلاش و مستحقان خود نمره بگیرند. در حقیقت نمره‌های اشاره‌شده در مثال، موجب فارغ‌التحصیل شدن افراد غیرمتخصص و در نتیجه سبب عقب ماندن جامعه خواهد شد. در مورد مثال مادر و دانشمند نیز ممکن است فرد سودگرا واقعاً به پیلد دیدگاهش ملتزم بوده و معتقد باشد که نجات دانشمند مقدم بر نجات مادر است. این گونه مثال‌ها تنها در صورتی می‌تواند سودگرایی را به مخاطره اندازد که مسئولیت‌های یا شده را برآمده از شهود یا دریافت درونی و مربوط به ذات انسان‌ها دانسته، از این طریق پیلد دیدگاه سودگرایان را برخلاف شهود و دریافت درونی بدانیم، وگرنه سودگرایی متصلب می‌تواند بر دیدگاهش پای فشرده و مسئولیت‌های مزبور را مثلاً نتیجه القانات جامعه یا خانواده بداند.

۳. یکی دیگر از لشکالات، مربوط به چگونگی محاسبه و ارزیابی لذت یا سود است. کدامیک از خولست‌ها و لمیل آمی باید محاسبه شود؟ موارد بسیاری می‌توان تصور کرد که برای هر فرد پیش می‌آید و رهنمای عملی سودگرایی روشن نیست.

۴. یکی از نقدهای مبنایی بر سودگرایی این است که بر اساس این دیدگاه، هدف وسیله را توجیه می‌کند و این نظریه‌ای است که بی‌شک نمی‌توان آن را پذیرفت.

۵. سودگرایی مستلزم آن است که در اعمال فردی و در خط و مشی‌های عمومی، سود را بدون در نظر گرفتن توزیع آن میان افراد مختلف، به حداکثر برسانیم. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد سودگرایی حق فراد را نادیده می‌گیرد (Audi General, 1999: 943)

ممکن است عمل، رفتار یا قاعده‌ای میزان خیر را در جهان بالا برد، ولی در چگونگی

توزیع این خیر، ناعادلانه باشد؛ به‌گونه‌ای که عمل یا رفتار یا قاعده‌ای نیز وجود داشته باشد که هرچند خیر کمتری دارد، اما عادلانه‌تر است. برای مثال، ممکن است تبعیت از حق ارشادیت سنی، خیر عمومی بیشتری ایجاد کند، ولی درعین حال ناعادلانه باشد اگر چنین باشد، به تعبیر فرانکنا صرفاً سود نمی‌تواند ملاک باشد، بلکه عدالت نیز مطرح است. البته میل به این شکل چنین پاسخ داه که از نظر وی هرچیزی که اقتضات سود را برآورد، لوازم عدالت را نیز برآورده می‌سازد؛ چراکه عدالت در اصل سود، جای گرفته است. اما فرانکنا معتقد است که میل به خطا رفته و دچار خلط شده است. وی نه این پاسخ و نه پاسخ‌های دیگر را موجه نمی‌داند (بنگرید به: فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۰۲ - ۱۰۰) پالمر نیز همین شکل را با تبیین دیگری آورده است. (Palmer, 1995: 89)

از منظر دینی، این نظریه نادرست است؛ چراکه این نظریه سود را بر اساس سوه‌های ذبیوی تعیین می‌کند و ارج می‌نهد و به منافع و سود اخروی افراد بی‌اعتناست. از سوی دیگر، بیانات دینی، انگیزه عمل را بسیار مهم می‌شمرند به سخنی دیگر، ممکن است کاری با وجود دلستن منافع بسیار، به دلیل ندلستن نیت درست، نادرست تلقی شود.

۶. برخی نویسندگان به این نکته اشاره داشته که اگر همواره در اندیشه نتایج باشیم، از آن رو که پیوسته در حال محاسبه سود و لذت هستیم، لاساً ارزش تجربه‌ها و لحظات بالفعل و حاضر را در نخولیم یافت و بدین سان، زندگی بسیار سرد و بی‌روح و بلکه بدون هیچ‌گونه لذتی خولیم دلست. (Mackinnon, 1998: 88)

۷. پاره‌ای از محققان (باتلر و راس) در رد برخی اقسام سودگرایی نیز استدلال‌های خاصی مطرح کرده‌اند:

نقد نخست آنکه ممکن است در شرایطی خاص دو عمل الف و ب پیش روی ما باشد که هر دو به یک میزان غلبه خیر بر شر را ایجاد می‌کنند مثلاً با در نظر گرفتن همه عناصر، هر دو ۱۰۰ امتیاز دارند حال فرض کنید که عمل الف مستلزم نقض عهد یا دروغ گفتن باشد، اما عمل ب این مستلزم را ندلسته باشد از نظر باتلر و راس، در این‌گونه موارد معتقدان به سودگرایی عمل‌نگر بر اساس مبانی خود باید بگویند که هر دو عمل الف و ب به یک اندازه

درست‌اند، اما روشن‌ست که در این مثال، عمل ب درست و عمل الف نادرست‌ست. از این‌رو، نظریه سودگرایی عمل‌نگر رضایت‌بخش نیست. فرانکنا این استدلال را می‌پذیرد. (فرانکنا، ۲۷۶: ۱۸۹)

نقد دوم این‌ست که در شرایط خاصی ممکن‌ست دو عمل الف و ب وجود داشته باشد که با محاسبه متمایزات آنها این نتیجه به دست آید:

الف اندکی بیشتر از ب باعث غلبه خیر بر شر می‌شود، اما متضمن نقض عهد، دروغ‌گویی یا بی‌عدالتی‌ست. در اینجا سودگرایی عمل‌نگر باید الف را درست و ب را نادرست بداند. اما باتلر و راس بر این باورند که در اینجا نیز ب درست و الف خطاست. فرانکنا معتقد‌ست مواردی وجود دارد که در آنها باید از قواعدی مانند وفای به عهد و راستگویی متابعت شود، حتی اگر پیروی از آنها مستلزم بیشترین غلبه خیر عمومی در موقعیت خاص مورد بحث نباشد. به بیانی دقیق‌تر، این استدلال هرچند سودگرایی عمل‌نگر را ابطال نمی‌کند، این امر را روشن می‌سازد که دیدگاه مزبور رضایت‌بخش نیست. نکته مهم اینکه ممکن‌ست کاری به دلیل واقعیت‌هایی غیر از میزان خیر یا شری که ایجاد می‌کند، صواب یا خطا باشد.

#### ب) تبیین نظریه «برین سودگرایی»

در آغاز پرسینی‌ست، از منظر دین چگونه می‌توان درباره سود سخن گفت؟ تعریفی که نظریه سودگرایی از سود به دست می‌دهد، عمدتاً بر تأمین منافع و علاقه‌های ذیوی تکیه دارد و این نکته‌ای‌ست که از منظر دینی پذیرفتنی نیست.

به نظر نگارنده، نگاه دین به سود چنین‌ست: «آنچه منفعت‌پایدار فرد را تأمین کند» مقصود از «منفعت‌پایدار»، سودی‌ست که محدود به این دنیا نباشد، بلکه فراتر از آن، سرنوشت فرد در آخرت را نیز در برگیرد. این همان چیزی‌ست که در نظریه مورد نظر خود، از آن به «سود برین» تعبیر می‌کنیم. این سود گاه اصالتاً و با نگاه آغازین، سودی ذیوی‌ست، ولی با رعایت شرایط و قیودی که خواهیم گفت، موجب تأمین سود اخروی نیز می‌گردد و در نتیجه «سعادت غایی» فرد را تأمین می‌کند.

از منظر دین به‌ویژه دین اسلام، ملاکی که می‌توان بر آن تکیه کرد، «سودجاودان» یا «سود برین» نام دارد و مکتب اخلاقی برآمده از این ملاک نیز «جاودان‌سودگرایی» یا «برین‌سودگرایی» نامیده می‌شود. در واقع خطای اغلب مکاتب اخلاقی در ترسیم معیار عمل، محدود شدن به زندگی این‌جهانی و غفلت از زندگی اخروی و جاودانه است. سودگرایی رایج نیز به همین اشتباه دچار شده، سود را منحصر به سود دنیوی کرده است؛ درحالی‌که سود را نباید به بخشی از حیات انسان محدود کرد، آن‌هم بخشی که در مقایسه با بخش مهم دیگر، بسیار ناچیز است. ادیان الهی، (خاصه دین اسلام) پایه کارها را «سودجاودان» می‌دانند و همه کارهای آمی را بر محور آن تنظیم می‌کنند البته اسلام در بیان چپستی این سود، به فراخور درک مردم، امور متفاوتی را بیان می‌دارد: گاه از انواع گوناگون نعمت‌های بهشتی نام می‌برد و گاه نیز بر رضای خدا تأکید می‌ورزد، لما می‌توان همه این امور را در همان «رضایت الهی» خلاصه کرد. به وقوع اگر رضایت الهی به دست آید، همه این نعمت‌ها نیز حاصل می‌گردد.

همچنین کارهای ما بر اساس رعایت رضایت الهی متفاوت می‌شود هرچند بسیاری از ارزش‌های اخلاقی از ارزش مطلق برخوردارند، در مقام مصداق و تطبیق این ارزش‌ها با موقعیت‌های مختلف، تغییرهایی می‌یابند. رست‌گویی از نظر اسلام ارزشی است که نباید نقض شود، لما گاه رضایت خدا در گرو نقض این ارزش است. برخلاف کانت که در همه موارد بر رست‌گویی تأکید می‌کند و هرگز به نقض آن رضایت نمی‌دهد بر پایه معیار یا نشده، گاه باید از رست‌گویی پرهیز کرد. به بیان دیگر، اگر رست‌گویی مستلزم کشته شدن انسان‌های زیادی شود، آن هنگام رست‌گویی حرام می‌گردد.

در واقع دین کارها را بر پایه معیار کلی «رضایت الهی» در یک سلسله مراتب طولی رتبه‌بندی کرده و بدین ترتیب در مقام تزلجم ارزش‌ها، ارزش بالاتر را مقدم دانسته و کارها را بر اساس آن مشخص نموده است. اینکه رست‌گویی اگر سبب قتل انسانی شود، حرام می‌گردد، از آن روست که در اینجا رست‌گویی با یک ارزش بالاتر از خود به نام «وجوب حفظ جان انسان‌ها» یا همان «حق حیات انسان‌ها» تعارض می‌یابد و به دلیل تقدم حق حیات در سلسله مراتب ارزش‌ها، نجات جان انسان واجب و عدم رست‌گویی واجب می‌شود. در برخی

موارد، حفظ جان نیز تحت تأثیر حاکمیت ارزش بالاتر، نقض می‌شود و ما بر اساس معیار کلی «رضایت الهی» به‌ناگزیر حق حیات خود یا دیگران را محکوم ارزش بالاتر (مثلاً حفظ دین) قرار می‌دهیم. بدین ترتیب، نظام ارزش اخلاقی اسلام به‌گونه‌ای ترتیب یافته که هیچ‌گونه تعارضی در بین نباشد و انسان همواره وظیفه اخلاقی خود را در باید با رعایت چنین سلسله مراتبی می‌توان به حقیقتی رسید که نگارنده آن را «سود برین»، و رویکرد مبتنی بر آن را «برین سودگرایی» می‌نامد.

حال پرسینی لست «سود برین» چگونه تأمین می‌شود؟ با تأمل در مضامین دینی درمی‌یابیم که تأمین سود به هر شکل کار اخلاقی و درستی نیست. تأمین سود برین با دو شرط اصلی تحقق می‌یابد: «جلب رضایت و خشنودی خدا» و نیز «نقض نکردن سود و حقوق دیگر افراد جامعه». البته شرط دوم از درون شرط اول برمی‌آید؛ چرا که با نقض حقوق دیگران هرگز رضایت الهی به دست نمی‌آید. این دو شرط را می‌توان با تعبیر دینی چنین بیان کرد: «رعایت حق‌الله» و «رعایت حق‌الناس».

برای تأمین سود برین لزومی ندارد که «قید بیشترین سود برای بیشترین افراد» در همه موارد لحاظ گردد؛ چرا که این قید در نظریه سودگرایی عملاً مربوط به سود دنیوی افراد لست، در حالی که گاه ممکن لست تأمین سود برین به قیمت فدا شدن سود دنیوی افراد تمام شود. چنان‌که بیان شد، نظریه سودگرایی رایج به سرشت عمل و انگیزه‌های انجام آن بی‌اعتناست؛ حال آنکه در مضامین دینی، وجود «انگیزه و نیت خیر» در به دست آمدن پاداش حاصل از آن شرط شده و بر اساس «**اَتْمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**»، رکن مهم در ارزیابی و سنجش ارزش کارها تلقی گردیده لست. از این رو، گاه یک صدقه که با صداقت و خلوص نیت داده شده، بسیار برتر از یک حج بدون اخلاص لست.

بنابراین در نظریه سودگرایی رایج بهترین نتیجه، با حصول لذت یا خوشبختی (عمدتاً خوشبختی دنیوی) تأمین می‌شود، لذا از منظر دینی، بهترین نتیجه با حصول رضایت الهی به دست می‌آید. این نکته، برخی از کارهای متدینان را که ظاهراً به سود توجهی ندارند، توجیه می‌کند. گاه برخی کارهای مؤمنان نشان‌دهنده آن لست که آنها به دنبال سود خود نیستند و

این، موجب نقض برین سودگرایی می‌شود. لذا باید گفت آنها نیز به تأمین سود خود می‌اندیشند، ولی برخلاف افراد عادی که به سود ذیوی نظر دارند، آنها به آخرت نیز چشم دوخته، تأمین سود برین را مه‌چتر می‌شمرند آیات و روایاتی که زندگی ذیوی را در مقایسه با زندگی و متاع اخروی ناچیز و پست می‌شمارند، ناظر به همین معناست.

با توجه به نکات یادشده، محاسبه سود که نخستین لشکال بر سودگرایی رایج است، در نظریه ما برطرف می‌شود. در واقع دین معیارهایی به دست داده که می‌توان با آنها رتبه‌همه کارها را در تأثیر بر سود برین مشخص کرد. در بسیاری از موارد نیز قزون بر وجود معیار، بر تقدم یا تأخر ارزشی کارها بر یکدیگر نیز تصریح شده است.

از دیگر سو، نقد دوم نیز پاسخ داده می‌شود؛ بدین بیان که مثلاً انجام کارها بر اساس حس مسئولیت (و نه ایجاد سود) در نظریه ما مبتنی بر هدف کلی تأمین سود برین است؛ زیرا رعایت احساس مسئولیت یکی از مواردی است که در دین برای آن سود و پاداش برین معین شده است. در مثال پیش‌گفته (غرق شدن مادر و یک دانشمند و مکان نجات یکی از آنها) به لحاظ دینی باید نجات مادر را مقدم دشت؛ چراکه از این منظر، حق مادر بر انسان بسیار بیشتر از حق دیگران است، مگر آنکه آن بیگانه کسی باشد که از نظر دینی محق‌تر از مادر باشد (مثلاً پیلمبر).

لشکال سوم نیز خود به خود برطرف می‌شود؛ زیرا در نظریه ما مدرک عمل، رضایت خدست و این ملاک‌های تأمین این معیار کلی را بیان کرده است؛ از آن‌رو که دین در همه کارها و تنگناها، قزون بر به دست دادن معیارهای عام و عملی، راهنمای عملی نیز عرضه کرده و بدین ترتیب تشخیص سود در همه موارد - حتی موارد به‌ظاهر مساوی - به‌سهولت انجام می‌گیرد.

درباره لشکال چهارم نیز باید گفت از منظر دینی، هدف هر وسیله‌ای را توجیه نمی‌کند. به سخنی دیگر، نمی‌توان برای تأمین هدف مورد نظر (حتی هدف دینی) به هر وسیله نامشروعی توسل جست. در واقع دین، ما را بر کسب سود برین تشویق می‌کند، لذا نه با هر وسیله‌ای. بنابراین هدف یادشده (سود برین) اساساً با ابزار و وسایل نامشروع دست‌نیافتنی



لست و سودی که از این راهها به دست آید، سود برین نخولهد بود. بر این بنیاد، لشکال پنجم نیز وارد نیست؛ چراکه در سودگرایی برین، حق افراد باید در همه موارد محفوظ بماند و اگر حق کسی پایمال شود، سود برین تأمین نمی‌گردد. از این رو، عمل مزبور نادرست خولهد بود.

لشکال ششم نیز در نظریه ما جایگاهی ندارد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، با توجه به تصریحات دینی و وجود معیارهای بسیار ققیق در ارزیابی کارها، افراد می‌توانند به سهولت به انتخاب گزینه‌ها بپردازند، بی‌آنکه در محاسبه سود دغدغه‌ای داشته باشند.

در مورد لشکال هفتم نیز باید گفت به لحاظ دینی و با توجه به وجود معیارهای ققیق و نیز رتبه‌بندی کارهای مختلف، احتمال وجود کارهایی که سود آنها مساوی بوده و موجب سردرگمی فرد در انتخاب کار مورد نظر می‌شود، تقریباً منتفی است.

بدین ترتیب، نظریه ما با هیچ‌یک از لشکالات سودگرایی رایج مواجهه نیست. علاوه بر اینکه می‌توان استدلال‌هایی نیز به نفع این نظریه مطرح کرد که برخی از آنها برون دینی است و پاره‌ای نیز درون دینی:

۱. روشن است که انسان تا وقتی در کاری که قصد انجام آن را دارد، نفعی برای خود نبیند، به انجام آن کار مبادرت نمی‌ورزد. البته آن نفع لزوماً نفع دنیوی نیست، بلکه ممکن است اخروی باشد.

۲. محور بودن نفع و سود دنیوی با لشکالاتی روبه‌روست که به برخی از آنها در تبیین سودگرایی رایج اشاره شد. در واقع کارهایی وجود دارد که بی‌شک هیچ سود دنیوی برای فرد ندارد و خود فرد نیز از آن آگاه است. این امر به‌ویژه در برخی از کارهای بسیار متعالی افراد دیندار نیز به‌وضوح دیده می‌شود.

۳. نتیجه آنکه سودگرایی رایج نمی‌تواند تبیین‌گر کارهای افراد دیندار باشد و سودی که می‌توان از کار آنها انتظار داشت، سود متعالی یا برین است.

در مورد استدلال‌های درون دینی نیز کافی است در مضامین آیات مربوط به تشویق انسان‌ها به انجام کارهای نیک تأمل کنیم. همه این آیات پاداش‌های جاودانی اخروی را برای

این اعمال برمی‌شمرند و بر محور بودن سود برین در کارها را تأکید می‌ورزند، البته نوع این پاداش‌ها مهم نیست، تا برخی لشکال کنند که این نعمت‌های بهشتی برای ترغیب افراد معمولی است؛ چرا که انجام عمل نیک در سطوح بسیار عالی (نظیر اعمال پلیمبر و امام) باز برای رسیدن به پاداش برینی چون رضایت خدا «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» (انسان / ۹) یا قرب خدست، بنابراین بدون در نظر گرفتن نوعی سود (گریز از جهنم، رسیدن به نعمت‌های معمولی بهشت، یا رضایت خدا) کاری انجام نمی‌شود.

ممکن است گفته شود که دین بر انجام وظیفه تأکید می‌کند، از این رو باید نظریه استنباط‌شده از تعالیم دینی را وظیفه‌گرایی دانست. در پاسخ باید گفت پیش از وظیفه، غایت انجام وظیفه نیز مطمح نظر است که انسان بدون در نظر گرفتن آن هرگز به کاری دست نمی‌یازد. بنابراین رسیدن به غایت، مقدمه‌ای ضروری برای ادای وظیفه و تکلیف است.

چنان‌که گذشت، نظریه سودگرایی رایج با نظریه خودگرایی در تعارض است، ولی با توجه به استدلالی که گفته آمد، روشن شد که نظریه برین سودگرایی برخلاف نظریه سودگرایی رایج، اساساً در ذیل نظریه‌های خودگرایانه جای دارد. نظریه خودگرایی برخلاف نظریه دگرگرایی، غایت فعال را خود انسان و منافع به‌هست آمده را نیز برای او می‌داند. با توجه به تأکید دین بر ایثار و از خودگذشتگی، ممکن است برخی لشکال کنند که باید نظریه مستنبط از دین را دگرگرایانه بدانیم، نه خودگرایانه و چون نظریه برین سودگرایی نظریه‌ای خودگرایانه است، به لحاظ دینی باید آن را باطل شمرد. وانگهی دلایلی که در رد خودگرایی و اثبات دگرگرایی نیز آورده شده، بسیار متقن است.

در پاسخ باید گفت کسی که از خودگذشتگی نشان می‌دهد، با در نظر گرفتن سود (به‌ویژه سود برینی) از کارش انتظار دارد. رزمنده‌ای که با به خطر انداختن جان خود جان دیگری را نجات می‌دهد، غایت این کار را رسیدن به سود برین می‌داند و اگر هیچ‌گونه سودی در نظر نداشته، اساساً به چنین کاری دست نمی‌زد. در مورد دلایل اثبات دگرگرایی نیز در اینجا نمی‌توان به تفصیل بدانها و مباحث مطرح درباره آن پرداخت. (بنگرید به: نصیری،

برین سودگرایی و اخلاق دانشجویی: با توجه به برخی نکات پیشین نمی‌توان انکار کرد که همه انسان‌ها از جمله دانشجویان از انجام کارهای خودهدف و غایتی در نظر دارند و اگر از کارهایشان نفعی نبرند، به دنبال آن نخواهند رفت. لذا متأسفانه بیشتر دانشجویان (غالباً ندانسته) از تحصیلات خود سووهای ذیوی موقت را در نظر دارند، بی‌آنکه به سود برین اعتنا کنند. برای رسیدن به نتایج مطلوب در نظریه برین سودگرایی، باید انگیزه‌های دینی را در جامعه و مجامع علمی و دانشگاهی نهادینه کرد و این وظیفه‌ای است که ابتدا برعهده استادان و سپس برنامه‌ریزان سطوح اولیه و عالی تحصیلی است.

نکته در خور توجه اینکه نباید به‌گونه‌ای رفتار شود که دانشجویان احساس کنند ما متولی دین و صاحبان اصلی دین هستیم و آنها نیز باید به آنچه ما از دین برداشت می‌کنیم، عمل کنند، بلکه باید به گونه‌ای عمل نمود که آنان با آموزه‌ها و انگیزه‌های دینی احساس یگانگی کنند و بدین ترتیب هویت خود را با دین و آموزه‌های دینی آمیخته بدانند. متأسفانه در بسیاری از موارد دانشجو گمان می‌کند که از منطقه بیگانگی دین را به وی تحمیل می‌کنند و چون خود را با تحمیل‌کنندگان هم‌دل نمی‌یابد، نسبت به آموزه‌های دینی این احساس به‌ویژه هنگامی شدت می‌یابد که عمل به دین را در میان اولیای امر و متولیان دینی مشاهده نکند. به بیانی دیگر، مشکل عمده اخلاق در دانشگاه‌ها از اینجا ریشه می‌گیرد که دانشجو اخلاق دینی و غایت بودن «سود برین» را در کارهای استادان و متولیان فرهنگی و دینی نمی‌یابد، ولی همواره آنان را مدعی دین‌مداری می‌بیند.

### نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه نظریه برین سودگرایی هم از همه اشکالات نظریه سودگرایی رایج مبراست و هم استدلال‌های برون دینی و درون دینی آن را تأیید می‌کند. در مرحله عمل نیز این نظریه بهتر می‌تواند افراد را به انجام اعمال اخلاقی درست ترغیب و تشویق کند. با گسترش و شاعه این نظریه می‌توان در رفتارهای افراد، به‌ویژه قشر جوان، تحول ایجاد کرد.

## منابع و مأخذ

۱. برانت، ریچارد، ۱۳۷۹، «اشکال‌های واقعی و ادعایی نظریه سودگرایی»، ترجمه محمود فتحعلی، *فصلنامه ارغنون*، ش ۱۶.
۲. جمعی از نویسندگان و مترجمان، ۱۳۸۰، *فلسفه اخلاق (مجموعه مقالات برگرفته از دایرةالمعارف فلسفه اخلاق بکر)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳. فرانکنا، ویلیام کی.، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۴. نصیری، منصور، ۱۳۸۲، «تأملی در بحث خودگرایی و دگرگرایی»، *فصلنامه نقد و نظر*، قم، ش ۳۱ و ۳۲.
5. *A Dictionary of Ethics*, 1989, Moscow: Progress Publishers.
6. Audi General, Robert (ed.), 1999, *The Cambridge Dictionary of Philosophy*, Cambridge: Cambridge University Press.
7. Crisp, Roger & Tim Chappell, 1973, "Utilitarianism", *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*, NewYork: MacMillan.
8. Graham, Gordon, 2004, *Eight Theories of Ethics*, London & NewYork: Routledge.
9. Hume, David, 1739 – 1740, *Treatise on Human Nature*, London.
10. Mackinnon, Barbara, 1998, *Ethics Theory and Contemporary Issues*, Stamford: Wadsworth.
11. Mill, John's, 2004, "Utilitarianism", ed. Harry J. Gensler, *Ethics Contemporary Readings*, Eral W. Sppuring & James C. Swindal, NewYork & London: Routledge.
12. N. Johnson, Robert, 1996, *Primer on the Elements and Forms of Utilitarianism*.
13. Palmer, Michael, 1995, *Moral Problems*, Toronto Buffalo: University of Toronto Press.
14. Priest, Oskar (ed.), 1957, *Utilitarianism*, Indianapolis: BobbsMerrill.
15. Schneewind, J. B., 1973, *Encyclopedia of Philosophy*, ed. Paul Edwards, Vol. 5, NewYork: MacMillan.
16. Smart, J. J. C., 2004, "Defending Utilitarianism", ed. Harry J. Gensler, *Ethics Contemporary Readings*, Eral W. Sppuring & James

C. Swindal, New York & London: Routledge.  
17. [www.Missouri.edu/~philrnj/phil213](http://www.Missouri.edu/~philrnj/phil213) .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی